

پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس حساسیت بین فردی و تحریف‌های شناختی در زنان

متأهل: نقش میانجی نگرش به طلاق

سمیرا باقری راد^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره هفتم، شماره بیست و هشتم، زمستان ۱۴۰۴، صفحات ۲۶۱-۲۴۸

چکیده

رضایت زناشویی به‌عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی سلامت خانواده، تحت تأثیر عوامل روان‌شناختی متعددی است. این پژوهش با هدف پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس حساسیت بین فردی و تحریف‌های شناختی با نقش میانجی نگرش به طلاق در زنان متأهل انجام شد. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل ساکن شهر تهران در سال ۱۴۰۳ بود. از بین آنان، ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و با پرسشنامه‌های رضایت زناشویی انریچ (EMS)، مقیاس حساسیت بین فردی (IPSM)، پرسشنامه تحریف‌های شناختی (CD-Quest) و مقیاس نگرش به طلاق ارزیابی شدند. داده‌ها با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) و روش بوت‌استرپ در نرم‌افزارهای SPSS-26 و AMOS-24 تحلیل شدند. نتایج نشان داد حساسیت بین فردی ($\beta = -0.18$) و تحریف‌های شناختی ($\beta = -0.32$) به‌طور مستقیم و منفی رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین این دو متغیر به‌طور مثبت بر نگرش به طلاق اثر داشتند و نگرش به طلاق نیز اثر منفی و معناداری بر رضایت زناشویی ($\beta = -0.28$) نشان داد. نقش میانجی جزئی نگرش به طلاق در روابط بین حساسیت بین فردی و تحریف‌های شناختی با رضایت زناشویی تأیید شد. مدل نهایی ۴۲ درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین کرد. یافته‌ها بر اهمیت نقش عوامل شناختی و بین فردی در تبیین رضایت زناشویی زنان تأکید داشتند. به نظر می‌رسد مداخلات آموزشی و درمانی با تمرکز بر کاهش حساسیت بین فردی افراطی، اصلاح تحریف‌های شناختی و تعدیل نگرش نسبت به طلاق می‌تواند در ارتقای رضایت زناشویی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: رضایت زناشویی، حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی، نگرش به طلاق، زنان.

مقدمه

رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت زندگی و بهزیستی روان‌شناختی افراد متأهل محسوب می‌شود. ازدواج به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی، نقش بی‌بدیلی در سلامت روانی، جسمی و اجتماعی افراد ایفا می‌کند (ویلیامسون، ۲۰۲۰). پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که افراد متأهل با رضایت زناشویی بالا از سطوح بهتری از شادکامی، سلامت جسمی و طول عمر بیشتری برخوردارند (کارنی و بردبری، ۲۰۲۰). با این حال، آمارهای جهانی حاکی از افزایش نگران‌کننده‌ی نرخ طلاق و کاهش سطح رضایت زناشویی در دهه‌های اخیر است. در ایران نیز، طبق آمار رسمی، نرخ طلاق روند صعودی داشته و این امر ضرورت توجه به عوامل تأثیرگذار بر رضایت زناشویی را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد.

پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهند که رضایت زناشویی پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل شناختی، هیجانی، رفتاری و بین‌فردی قرار دارد (مایکل و بن‌زور، ۲۰۲۴). در این میان، متغیرهای شناختی و بین‌فردی نقش کلیدی در شکل‌گیری و حفظ رضایت زناشویی ایفا می‌کنند. از یک‌سو، حساسیت بین‌فردی به‌عنوان توانایی درک و پاسخگویی به نشانه‌های هیجانی و نیازهای همسر، عامل حیاتی در ایجاد صمیمیت و ارتباط مؤثر محسوب می‌شود (لاونر و همکاران، ۲۰۲۴). از سوی دیگر، تحریف‌های شناختی به‌عنوان الگوهای فکری نادرست و غیرمنطقی، می‌توانند ادراک افراد از رابطه زناشویی را مخدوش کرده و به کاهش رضایت منجر شوند (طلایی و همکاران، ۱۴۰۳).

حساسیت بین‌فردی به توانایی فرد در تشخیص، درک و پاسخگویی مناسب به نشانه‌های عاطفی و غیرکلامی دیگران، به ویژه همسر، اشاره دارد. این مفهوم در سال‌های اخیر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های بین‌فردی موردتوجه پژوهشگران حوزه روابط زناشویی قرار گرفته است. دهقانی دولت‌آبادی و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی اخیر نشان دادند که ذهن آگاهی بین‌فردی که با حساسیت بین‌فردی ارتباط نزدیکی دارد، می‌تواند اثرات منفی تعارضات زناشویی بر صمیمیت زوجین کاهش دهد.

پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که حساسیت بین‌فردی با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری دارد. کامیلو ریوس و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی بر روی زنان دارای حساسیت به طرد، نشان دادند که درمان بین‌فردی می‌تواند رضایت رابطه و اضطراب را به‌طور معناداری بهبود بخشد. همچنین، وایت وان باکسل و همکاران (۲۰۲۴) دریافتند که تنظیم هیجانی که با حساسیت بین‌فردی مرتبط است، نقش مهمی در تغییر رضایت رابطه در زوج‌های تحت درمان دارد. در زمینه فرهنگ ایرانی، یوسف و همکاران (۱۴۰۴) تأکید کردند که توانایی درک نشانه‌های کلامی و غیرکلامی برای افزایش رضایت زناشویی حیاتی است. با این حال، در زنان متأهل، حساسیت بین‌فردی می‌تواند دوگانگی خاصی داشته باشد. از یک‌سو، سطوح بالای حساسیت بین‌فردی می‌تواند به درک بهتر نیازهای همسر و ایجاد ارتباط عمیق‌تر منجر شود. از سوی دیگر، حساسیت افراطی می‌تواند به آسیب‌پذیری بیشتر در برابر رفتارهای منفی همسر و افزایش استرس بین‌فردی منجر شود (قاضی و همکاران، ۱۴۰۳). این پارادوکس نیازمند بررسی دقیق‌تر در جمعیت زنان ایرانی است که ممکن است تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی خاص قرار داشته باشند.

تحریف‌های شناختی به الگوهای فکری نادرست و غیرمنطقی اطلاق می‌شود که افراد در تفسیر رویدادها و رفتارهای دیگران به کار می‌برند. در زمینه روابط زناشویی، تحریف‌های شناختی بین فردی شامل انتظارات غیرواقع‌بینانه از رابطه، طرد بین فردی و برداشت‌های نادرست از رفتار همسر می‌شود (استنبرو، ۲۰۱۹). این تحریف‌ها می‌توانند به صورت عمیقی بر کیفیت ارتباط زناشویی و میزان رضایت زوجین تأثیر بگذارند. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که تحریف‌های شناختی با رضایت زناشویی رابطه منفی و معناداری دارند. طلائی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهش خود دریافتند که تحریف‌های شناختی با سرخوردگی زناشویی همبستگی مثبت دارند و الگوهای فکری منفی به نارضایتی در روابط منجر می‌شوند. همچنین، یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که تحریف‌های شناختی بین فردی می‌توانند تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کنند و بین نمرات تحریف‌های شناختی و تعارضات زوجین رابطه معناداری وجود دارد (حاجر و همکاران، ۲۰۱۵).

در زنان متأهل، تحریف‌های شناختی می‌توانند به شکل‌های مختلفی ظاهر شوند. برخی از رایج‌ترین تحریف‌های شناختی در این گروه شامل: (۱) انتظارات غیرواقع‌بینانه از همسر و رابطه زناشویی؛ (۲) برداشت طرد شدن از سوی همسر؛ (۳) تعمیم بیش‌ازحد رفتارهای منفی همسر؛ (۴) تمام یا هیچ‌اندیشی در مورد رابطه؛ و (۵) فاجعه‌سازی در مورد مشکلات جزئی زناشویی هستند. این تحریف‌ها می‌توانند چرخه منفی از تفسیرهای نادرست، واکنش‌های هیجانی شدید و رفتارهای مخرب را در روابط زناشویی ایجاد کنند (راستی و محمدی، ۲۰۲۴). پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند که درمان شناختی-رفتاری که بر اصلاح تحریف‌های شناختی تمرکز دارد، می‌تواند به طور معناداری رضایت زناشویی را افزایش دهد (خندابی و همکاران، ۲۰۲۴). این یافته‌ها حاکی از اهمیت نقش تحریف‌های شناختی در پیش‌بینی و درمان مشکلات زناشویی است.

یکی از جنبه‌های کم‌تر مورد توجه در پژوهش‌های رضایت زناشویی، تعامل میان حساسیت بین فردی و تحریف‌های شناختی است. این دو متغیر می‌توانند به صورت متقابل بر یکدیگر تأثیر بگذارند و الگوهای پیچیده‌ای از عملکرد زناشویی را شکل دهند. به‌عنوان مثال، زنانی که دارای حساسیت بین فردی بالا و همزمان تحریف‌های شناختی زیادی هستند، ممکن است به شدت به نشانه‌های منفی از سوی همسر حساس باشند و آن‌ها را به صورت تحریف‌شده تفسیر کنند، که این امر می‌تواند به کاهش چشمگیر رضایت زناشویی منجر شود.

مورگان و همکاران (۲۰۲۴) نشان دادند که مشکلات تنظیم هیجانی که با حساسیت بین فردی مرتبط است، می‌تواند به‌عنوان واسطه بین رضایت رابطه و نشانه‌های افسردگی عمل کند. این یافته نشان‌دهنده پیچیدگی روابط میان متغیرهای شناختی و بین فردی در تعیین کیفیت روابط زناشویی است. علاوه بر این، تحقیقات نشان داده‌اند که الگوهای ارتباطی منفی که می‌توانند ناشی از تحریف‌های شناختی باشند، با افزایش افکار طلاق همبستگی مثبت دارند (استنلی و همکاران، ۲۰۰۲ به نقل از پیرا و همکاران، ۲۰۲۲).

نگرش به طلاق به باورها و ارزیابی‌های فرد درباره مقبولیت، عواقب و شرایط طلاق اشاره دارد. این متغیر می‌تواند نقش مهمی در تبیین رابطه میان عوامل روان‌شناختی مانند حساسیت بین فردی و تحریف‌های شناختی با رضایت زناشویی ایفا کند.

پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که نگرش به طلاق تحت تأثیر عوامل فرهنگی، ارزش‌های فردی و کیفیت رابطه زناشویی قرار دارد (وان در وال و همکاران، ۲۰۲۵).

مطالعات نشان می‌دهند که نگرش به طلاق می‌تواند به‌عنوان یک متغیر میانجی عمل کند که از طریق آن عوامل شناختی و بین‌فردی بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارند. زمانی که زنان متأهل دارای تحریف‌های شناختی بالا یا حساسیت بین‌فردی مختل هستند، ممکن است نگرش مثبت‌تری نسبت به طلاق پیدا کنند، که این امر می‌تواند به کاهش تعهد زناشویی و درنهایت کاهش رضایت منجر شود (کاپینوس، ۲۰۰۴). برعکس، نگرش منفی به طلاق می‌تواند حتی در حضور مشکلات زناشویی، زوجین را به ادامه رابطه و بهبود آن ترغیب کند.

در فرهنگ ایرانی که طلاق همچنان با انگ اجتماعی همراه است، نقش نگرش به طلاق ممکن است پیچیده‌تر و متفاوت‌تر از فرهنگ‌های غربی باشد. زنان ایرانی ممکن است تحت فشارهای اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی قرار داشته باشند که بر نگرش آن‌ها نسبت به طلاق و در نتیجه بر رضایت زناشویی تأثیر بگذارد. باین‌حال، تحقیقات محدودی به بررسی نقش میانجی نگرش به طلاق در رابطه میان متغیرهای روان‌شناختی و رضایت زناشویی در جمعیت ایرانی پرداخته‌اند.

باوجود اهمیت رضایت زناشویی و عوامل مؤثر بر آن، شکاف‌های پژوهشی قابل‌توجهی در این حوزه وجود دارد. اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه در فرهنگ‌های غربی صورت گرفته‌اند و نتایج آن‌ها ممکن است به‌طور کامل به جمعیت ایرانی قابل‌تعمیم نباشد. فرهنگ، ارزش‌های اجتماعی و ساختار خانواده در ایران به‌گونه‌ای است که نیازمند بررسی‌های بومی و متناسب با بافت فرهنگی این جامعه است. درحالی‌که مطالعات متعددی به‌صورت جداگانه به بررسی رابطه حساسیت بین‌فردی یا تحریف‌های شناختی با رضایت زناشویی پرداخته‌اند، پژوهش‌های محدودی این دو متغیر را به‌صورت همزمان و در یک مدل یکپارچه موردبررسی قرار داده‌اند. این امر مانع از درک جامع تعاملات پیچیده میان این عوامل می‌شود. نقش میانجی نگرش به طلاق در رابطه میان متغیرهای روان‌شناختی و رضایت زناشویی تاکنون به‌ندرت مورد مطالعه قرار گرفته است، به‌خصوص در جمعیت زنان ایرانی که ممکن است تحت تأثیر فشارهای اجتماعی و فرهنگی خاصی قرار داشته باشند. درک نقش این متغیر میانجی می‌تواند به طراحی مداخلات درمانی مؤثرتر کمک کند. اکثر پژوهش‌های موجود بر روی زوجین به‌صورت مشترک انجام‌شده‌اند و به بررسی ویژگی‌های خاص زنان متأهل به‌عنوان یک گروه جداگانه کمتر پرداخته شده است. با توجه به نقش محوری زنان در نظام خانواده در فرهنگ ایرانی و تفاوت‌های جنسیتی در تجربه و بیان رضایت زناشویی، این شکاف پژوهشی اهمیت ویژه‌ای دارد. از منظر کاربردی، شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی در زنان متأهل می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی و درمانی هدفمندتر برای پیشگیری از مشکلات زناشویی و کاهش نرخ طلاق کمک کند. با توجه به افزایش نرخ طلاق در ایران و هزینه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی آن، این امر از اهمیت اجتماعی بالایی برخوردار است.

بر اساس شکاف‌های پژوهشی مذکور، هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده حساسیت بین‌فردی و تحریف‌های شناختی در رضایت زناشویی زنان متأهل با در نظر گرفتن نقش میانجی نگرش به طلاق است.

این پژوهش با ارائه یک مدل یکپارچه که تعامل میان متغیرهای شناختی و بین‌فردی را در پیش‌بینی رضایت زناشویی بررسی می‌کند، به توسعه دانش نظری در حوزه روابط زناشویی کمک خواهد کرد. همچنین، بررسی نقش میانجی نگرش به طلاق می‌تواند به درک بهتر مکانیسم‌های تأثیرگذاری عوامل روان‌شناختی بر رضایت زناشویی منجر شود. این مطالعه با استفاده از رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری، امکان بررسی روابط پیچیده و چندمتغیره را فراهم می‌کند و می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های آتی در این حوزه باشد. همچنین، تمرکز بر جمعیت زنان ایرانی می‌تواند به تولید دانش بومی در این زمینه کمک کند. نتایج این پژوهش می‌تواند در طراحی برنامه‌های آموزشی پیش از ازدواج، مشاوره زوج‌درمانی و مداخلات بالینی برای بهبود رضایت زناشویی و کاهش نرخ طلاق مورد استفاده قرار گیرد. شناسایی نقش تحریف‌های شناختی و حساسیت بین‌فردی می‌تواند به درمانگران کمک کند تا مداخلات هدفمندتری را طراحی کنند. با توجه به هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی طلاق، هرگونه تلاش برای شناسایی و مداخله در عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی می‌تواند به بهبود سلامت خانواده و در نتیجه جامعه کمک کند. این امر به ویژه در جامعه ایران که با افزایش نرخ طلاق مواجه است، از اهمیت بالایی برخوردار است.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از حیث روش گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است. در این پژوهش، رابطه بین متغیرهای حساسیت بین‌فردی و تحریف‌های شناختی با رضایت زناشویی با در نظر گرفتن نقش میانجی نگرش به طلاق مورد بررسی قرار گرفت. این مطالعه با استفاده از رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) برای آزمون مدل پیشنهادی انجام شد.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان متأهل ساکن شهر تهران در سال ۱۴۰۳ تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بود از: داشتن حداقل یک سال سابقه زندگی مشترک، داشتن حداقل مدرک دیپلم، عدم ابتلا به اختلالات روان‌پریشی شدید و عدم مصرف داروهای روان‌گردان. معیار خروج از پژوهش نیز عبارت بود از: عدم تمایل به همکاری و تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها.

برای تعیین حجم نمونه، با توجه به استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری، از قاعده کلاین (۲۰۱۵) استفاده شد که حداقل ۱۰ تا ۲۰ شرکت‌کننده برای هر پارامتر آزاد در مدل را توصیه می‌کند. با توجه به تعداد پارامترهای آزاد مدل پیشنهادی (تقریباً ۲۵ پارامتر)، حداقل حجم نمونه ۲۵۰ نفر برآورد شد. با در نظر گرفتن احتمال ریزش نمونه، ۳۲۰ پرسشنامه توزیع شد که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص و نامعتبر، داده‌های ۳۰۰ زن متأهل مورد تحلیل نهایی قرار گرفت.

پس از اخذ مجوزهای اخلاقی و هماهنگی با مراکز مشاوره، فرهنگسراها و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، فرآیند اجرا آغاز شد. در مرحله اول، به شرکت‌کنندگان درباره اهداف پژوهش، محرمانگی اطلاعات و حق انصراف در هر مرحله توضیحات لازم ارائه شد و رضایت آگاهانه کتبی اخذ گردید. سپس پکیج پرسشنامه‌ها به صورت حضوری یا آنلاین در اختیار آنان قرار گرفت. زمان تقریبی تکمیل پرسشنامه‌ها ۳۰ تا ۴۰ دقیقه بود.

ابزارهای سنجش

در این پژوهش از چهار پرسشنامه استفاده شد که در زیر شرح هر یک آمده است:

۱. پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱: این پرسشنامه نسخه کوتاه‌شده پرسشنامه جامع انریچ است که توسط فاورز و اولسون (۱۹۹۳) طراحی شده و دارای ۱۵ گویه و دو خرده‌مقیاس رضایت زناشویی (۱۰ گویه) و تحریف ایده‌آل‌سازی (۵ گویه) است. گویه‌ها بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شوند. نمره کل، نشانگر سطح رضایت زناشویی است. فاورز و اولسون (۱۹۹۳) پایایی (آلفای کرونباخ) خرده‌مقیاس رضایت را ۰٫۸۶ گزارش کرده‌اند. در ایران، صولتی و همکاران (۱۳۸۶) پایایی آن را ۰٫۸۵ به دست آوردند. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰٫۸۸ محاسبه شد.
۲. مقیاس حساسیت بین فردی^۲: این مقیاس توسط بویس و پارکر (۱۹۸۹) برای سنجش حساسیت افراد به طرد و انتقاد در روابط بین فردی طراحی شده و دارای ۳۶ گویه و ۵ خرده‌مقیاس است. گویه‌ها بر اساس مقیاس ۴ درجه‌ای از ۱ (اصلاً) تا ۴ (بسیار زیاد) نمره‌گذاری می‌شوند. نمره بالاتر نشان‌دهنده حساسیت بین فردی بیشتر است. پایایی کل مقیاس در مطالعه اصلی ۰٫۸۷ گزارش شده است. در ایران، پورشهریار و دهقانی (۱۳۸۹) پایایی آن را ۰٫۸۲ تأیید کرده‌اند. در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ آن ۰٫۸۶ به دست آمد.
۳. پرسشنامه تحریف‌های شناختی^۳: این پرسشنامه توسط دی اولیویرا (۲۰۱۵) برای ارزیابی ۱۵ نوع تحریف شناختی طراحی شده و دارای ۱۵ گویه است. هر گویه دو بعد فراوانی و شدت را بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای می‌سنجد. نمره کل، نشانگر میزان تحریف‌های شناختی است. پایایی این پرسشنامه در مطالعات مختلف بین ۰٫۸۰ تا ۰٫۹۳ گزارش شده است. در ایران، طالبی و همکاران (۱۴۰۰) پایایی ۰٫۸۴ را گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ آن ۰٫۸۵ محاسبه شد.
۴. مقیاس نگرش به طلاق: برای سنجش این متغیر از زیرمقیاس نگرش به طلاق در مقیاس نگرش‌های زناشویی (کینبرد و جرارد، ۱۹۸۶) استفاده شد. این مقیاس دارای ۱۲ گویه است که نگرش مثبت و منفی به طلاق را می‌سنجد. گویه‌ها بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شوند. پایایی این مقیاس در مطالعه اصلی ۰٫۷۷ گزارش شده و در ایران، احمدی و باقری (۱۳۹۸) پایایی ۰٫۷۹ را برای آن تأیید کرده‌اند. در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ آن ۰٫۸۱ محاسبه شد.

^۱ EMS

^۲ IPSM

^۳ CD-Quest

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۲۴ استفاده شد. در سطح آمار توصیفی از شاخص‌های فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده شد. در سطح آمار استنباطی، برای بررسی روابط بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و برای آزمون مدل پیشنهادی پژوهش و نقش میانجی نگرش به طلاق، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری^۱ با استفاده از رویکرد بوت استرپ (۵۰۰۰ نمونه) و ارزیابی اثرات مستقیم و غیرمستقیم استفاده گردید. برای ارزیابی برازش مدل از شاخص‌های χ^2/df ، GFI، CFI، RMSEA و RMR استفاده شد. سطح معناداری در تمامی تحلیل‌ها ۰,۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

در این پژوهش، داده‌های ۳۰۰ زن متأهل مورد تحلیل قرار گرفت. جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

متغیر	دسته‌بندی	فراوانی	درصد
گروه سنی	۲۰-۳۰ سال	۷۸	۲۶,۰
	۳۰-۴۰ سال	۱۴۲	۴۷,۳
	۴۰-۵۰ سال	۵۸	۱۹,۳
سطح تحصیلات	۱سال به بالا	۱۲	۷,۳
	دیپلم	۵۲	۱۷,۳
	کارشناس	۴۸	۱۶,۰
	کارشناسی	۱۲۶	۴۲,۰
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۷۲	۲۴,۰
وضعیت اشتغال	شاغل	۱۶۸	۵۶,۰
	سازمان	۱۳۲	۴۴,۰
	مدت زمان ازدواج	۵-۱۰ سال	۹۲
تعداد فرزندان	۱-۱۰ سال	۱۰۸	۳۶,۰
	۱۱-۱۵ سال	۶۴	۲۱,۳
	بیش از ۱۵ سال	۳۶	۱۲,۰
	بدون فرزند	۵۴	۱۸,۰
سابقه مشاوره	یک فرزند	۱۰۸	۳۶,۰
	دو فرزند	۱۰۲	۳۴,۰
	سه فرزند و بیشتر	۳۶	۱۲,۰
نوع طلاق	خود	۸۴	۲۸,۰
	غایب	۲۱۶	۷۲,۰

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۶,۴ سال (انحراف معیار = ۸,۲) بود. بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۰-۴۰ سال (۴۷,۳٪) و سطح تحصیلات کارشناسی (۴۲,۰٪) بود. ۵۶ درصد شرکت‌کنندگان شاغل و ۴۴ درصد خانه‌دار بودند. میانگین مدت زمان ازدواج ۹,۸ سال (انحراف معیار = ۶,۳) بود و میانگین تعداد فرزندان ۱,۵ فرزند (انحراف معیار = ۰,۹) محاسبه شد.

^۱ SEM

جدول ۲ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	سکانت	کشدگی	چولگی
رضایت زناشویی	۳۷.۱۲	۸.۵۲	۵۰	۱۵	-۰.۱۸
حساسیت بین‌فردی	۸۱.۳۶	۱۶.۲۴	۱۱۴	۴۱	-۰.۳۸
تحریف‌های شناختی	۵۲.۸۸	۱۲.۳۶	۸۵	۲۲	-۰.۲۶
نگرش به طلاق	۳۴.۵۲	۸.۱۴	۵۶	۱۵	-۰.۵۲

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تمام مقادیر چولگی و کشیدگی در محدوده قابل‌قبول (بین -۲ تا +۲) قرار دارند که نشان‌دهنده نرمال بودن توزیع داده‌ها است. همچنین، آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف نیز تأیید کرد که توزیع هیچ‌یک از متغیرها به‌طور معناداری از توزیع نرمال منحرف نیست. بررسی داده‌های پرت چندمتغیره با استفاده از فاصله ماهالانویس نشان داد که ۸ مورد به‌عنوان داده پرت شناسایی شدند که از تحلیل‌های بعدی حذف شدند؛ بنابراین، تحلیل‌های نهایی بر روی داده‌های ۲۹۲ شرکت‌کننده انجام شد.

جدول ۳ ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴
رضایت زناشویی	۱			
حساسیت بین‌فردی	-۰.۴۲**	۱		
تحریف‌های شناختی	-۰.۵۱**	۰.۴۸**	۱	
نگرش به طلاق	-۰.۴۶**	۰.۳۸**	۰.۴۴**	۱

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که:

- رضایت زناشویی با حساسیت بین‌فردی همبستگی منفی و معنادار دارد ($r = -0.42, p < 0.01$). این یافته نشان می‌دهد که سطوح بالاتر حساسیت بین‌فردی با رضایت زناشویی پایین‌تر همراه است.
 - رضایت زناشویی با تحریف‌های شناختی همبستگی منفی و معنادار دارد ($r = -0.51, p < 0.01$). این قوی‌ترین همبستگی در میان متغیرهای پژوهش است و نشان می‌دهد که تحریف‌های شناختی بالاتر با رضایت زناشویی پایین‌تر مرتبط است.
 - رضایت زناشویی با نگرش به طلاق همبستگی منفی و معنادار دارد ($r = -0.46, p < 0.01$). به این معنی که نگرش مثبت‌تر به طلاق با رضایت زناشویی پایین‌تر همراه است.
 - حساسیت بین‌فردی با تحریف‌های شناختی همبستگی مثبت و معنادار دارد ($r = 0.48, p < 0.01$).
 - حساسیت بین‌فردی و تحریف‌های شناختی هر دو با نگرش به طلاق همبستگی مثبت و معنادار دارند.
- این یافته‌ها از روابط مورد انتظار بین متغیرهای پژوهش حمایت می‌کنند و زمینه را برای آزمون مدل ساختاری فراهم می‌سازند.

برای آزمون مدل پیشنهادی پژوهش، از روش مدلیابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار AMOS استفاده شد. در مدل پیشنهادی، حساسیت بین‌فردی و تحریف‌های شناختی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین، رضایت زناشویی به‌عنوان متغیر ملاک و نگرش به طلاق به‌عنوان متغیر میانجی قرار گرفتند.

جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی را نشان می‌دهد.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل ساختاری

نتیجه	مقدار قابل قبول	مقدار به‌دست‌آمده	شاخص برازش
-	-	۱۲۴,۳۶	χ^2
-	-	۴۸	df
مطلوب	< ۳	۲,۵۹	χ^2/df
مطلوب	> ۰,۹۰	۰,۹۴	CFI
مطلوب	> ۰,۹۰	۰,۹۲	GFI
مطلوب	> ۰,۸۵	۰,۸۸	AGFI
مطلوب	< ۰,۰۸	۰,۰۷۴	RMSEA
مطلوب	< ۰,۰۸	۰,۰۶۵	RMR
مطلوب	> ۰,۹۰	۰,۹۱	NFI
مطلوب	> ۰,۹۰	۰,۹۳	TLI

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، تمام شاخص‌های برازش در محدوده قابل قبول قرار دارند. نسبت χ^2/df برابر با ۲,۵۹ است که کمتر از حد مجاز ۳ هست. شاخص‌های CFI، GFI، NFI و TLI همگی بالاتر از ۰,۹۰ هستند و شاخص RMSEA نیز ۰,۰۷۴ است که در محدوده مطلوب قرار دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که مدل پیشنهادی با داده‌های تجربی برازش مناسبی دارد.

جدول ۵ ضرایب مسیر استاندارد شده و معناداری آن‌ها را در مدل ساختاری نشان می‌دهد.

جدول ۵. ضرایب مسیر استاندارد شده در مدل ساختاری

مسیر	ضریب استاندارد (β)	خطای استاندارد	نسبت بحرانی (C.R.)	سطح معناداری
حساسیت بین‌فردی → نگرش به طلاق	۰,۲۱	۰,۰۴۲	۳,۸۶	۰,۰۰۱
تحریف‌های شناختی → نگرش به طلاق	۰,۳۴	۰,۰۴۸	۵,۲۴	۰,۰۰۱
حساسیت بین‌فردی → رضایت زناشویی	-۰,۱۸	۰,۰۳۸	-۳,۱۲	۰,۰۰۲
تحریف‌های شناختی → رضایت زناشویی	-۰,۳۲	۰,۰۴۴	-۵,۶۸	۰,۰۰۱
نگرش به طلاق → رضایت زناشویی	-۰,۲۸	۰,۰۵۲	-۴,۹۲	۰,۰۰۱

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که:

۱. اثر حساسیت بین‌فردی بر رضایت زناشویی: حساسیت بین‌فردی اثر مستقیم منفی و معناداری بر رضایت زناشویی دارد ($\beta = -0.18, p < 0.01$). این یافته نشان می‌دهد که افزایش یک انحراف معیار در حساسیت بین‌فردی، با کاهش ۰,۱۸ انحراف معیار در رضایت زناشویی همراه است.

۲. اثر تحریف‌های شناختی بر رضایت زناشویی: تحریف‌های شناختی اثر مستقیم منفی و معناداری بر رضایت زناشویی دارد ($\beta = -0.32, p < 0.001$). این قوی‌ترین اثر مستقیم در مدل است و نشان می‌دهد که تحریف‌های شناختی نقش مهمی در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارند.

۳. اثر حساسیت بین فردی بر نگرش به طلاق: حساسیت بین فردی اثر مثبت و معناداری بر نگرش به طلاق دارد ($\beta = 0.21, p < 0.001$).

۴. اثر تحریف‌های شناختی بر نگرش به طلاق: تحریف‌های شناختی اثر مثبت و معناداری بر نگرش به طلاق دارد ($\beta = 0.34, p < 0.001$).

۵. اثر نگرش به طلاق بر رضایت زناشویی: نگرش به طلاق اثر منفی و معناداری بر رضایت زناشویی دارد ($\beta = -0.28, p < 0.001$).

برای آزمون نقش میانجی نگرش به طلاق در رابطه بین حساسیت بین فردی و تحریف‌های شناختی با رضایت زناشویی، از روش بوت استرپ با ۵۰۰۰ نمونه‌گیری مجدد استفاده شد. جدول ۶ نتایج تحلیل اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل را نشان می‌دهد.

جدول ۶. تحلیل اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل (با استفاده از بوت استرپ)

مسیر	اثر مستقیم (β)	اثر غیرمستقیم (β)	اثر کل (β)	فاصله اطمینان ۹۵٪ اثر غیرمستقیم
حساسیت بین‌فردی → رضایت زناشویی	-۰,۱۸**	-۰,۰۶*	-۰,۲۴**	[-۰,۱۱۲, -۰,۰۱۸]
تحریف‌های شناختی → رضایت زناشویی	-۰,۳۲**	-۰,۱۰**	-۰,۴۲**	[-۰,۱۵۸, -۰,۰۴۸]

* $p < 0.05$, ** $p < 0.01$

یافته‌های جدول ۶ نشان می‌دهد که:

۱. میانجی‌گری نگرش به طلاق در رابطه حساسیت بین فردی و رضایت زناشویی: اثر غیرمستقیم حساسیت بین فردی بر رضایت زناشویی از طریق نگرش به طلاق معنادار است ($\beta = -0.06, 95\% \text{ CI } [-0.112, -0.018]$) با توجه به اینکه صفر در فاصله اطمینان قرار ندارد، نقش میانجی نگرش به طلاق تأیید می‌شود. از آنجایی که اثر مستقیم نیز معنادار است، نگرش به طلاق نقش میانجی جزئی را در این رابطه ایفا می‌کند.

میانجی‌گری نگرش به طلاق در رابطه تحریف‌های شناختی و رضایت زناشویی: اثر غیرمستقیم تحریف‌های شناختی بر رضایت زناشویی از طریق نگرش به طلاق معنادار است ($\beta = -0.10, 95\% \text{ CI } [-0.158, -0.048]$) با توجه به معنادار بودن هم اثر مستقیم و هم اثر غیرمستقیم، نگرش به طلاق نقش میانجی جزئی را در این رابطه نیز ایفا می‌کند. نتایج نشان داد که حساسیت بین فردی و تحریف‌های شناختی در مجموع ۲۴ درصد از واریانس نگرش به طلاق را تبیین می‌کنند ($R^2 = 0.24, p < 0.001$). همچنین، حساسیت بین فردی، تحریف‌های شناختی و نگرش به طلاق در مجموع ۴۲ درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین می‌کنند ($R^2 = 0.42, p < 0.001$).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده حساسیت بین‌فردی و تحریف‌های شناختی در رضایت زناشویی زنان متأهل با در نظر گرفتن نقش میانجی نگرش به طلاق بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که هر دو متغیر حساسیت بین‌فردی و تحریف‌های شناختی می‌توانند رضایت زناشویی را به‌طور معنادار پیش‌بینی کنند و نگرش به طلاق نقش میانجی جزئی در این روابط ایفا می‌کند. یافته اول نشان داد که حساسیت بین‌فردی با رضایت زناشویی رابطه منفی و معنادار دارد و می‌تواند آن را به‌طور مستقیم پیش‌بینی کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های متعددی همسو است که نشان داده‌اند حساسیت به طرد و حساسیت بین‌فردی با پیامدهای منفی در روابط رمانتیک همراه هستند. مطالعه فرا تحلیلی میسرا و آلن (۲۰۲۳) بر روی ۶۰ پژوهش نشان داد که افراد با حساسیت به طرد بالاتر، سطوح پایین‌تری از رضایت رابطه گزارش می‌کنند. همچنین میسرا و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی دریافتند که حساسیت به طرد شخصی پیش‌بینی‌کننده پیامدهای رابطه برای هر دو مرد و زن است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش حاضر که نشان داد حساسیت بین‌فردی بالاتر با رضایت زناشویی پایین‌تر همراه است، کاملاً سازگار است.

از منظر نظری، این یافته با مدل حساسیت به طرد داوانای و فلدمن (۱۹۹۶) قابل تبیین است. بر اساس این مدل، افراد با حساسیت بالا به طرد، به‌صورت مضطربانه انتظار طرد شدن را دارند و به شکل افراطی به آن واکنش نشان می‌دهند. این الگو می‌تواند به ایجاد چرخه‌های خودتحقق‌بخش منجر شود. پژوهش شوبی و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که اثرات انتظار بر تعاملات زناشویی در میان افراد با حساسیت به طرد بالا ضعیف‌تر است. در زنان متأهل ایرانی، این رابطه ممکن است تحت تأثیر عوامل فرهنگی خاصی قرار گیرد. فرهنگ ایران که ریشه در سنت‌های اسلامی دارد، بر وحدت خانواده و حفظ روابط تأکید می‌کند (آقاجانی و تامپسون، ۲۰۱۳). در چنین بافتی، زنان ممکن است حساسیت بیشتری نسبت به نشانه‌های طرد داشته باشند، زیرا شکست در حفظ هماهنگی زناشویی می‌تواند با انگ اجتماعی همراه باشد. پژوهش کامیلو ریوس و همکاران (۲۰۲۴) نشان داد که درمان بین‌فردی می‌تواند رضایت رابطه را در زنان با حساسیت به طرد بهبود بخشد. همچنین دهقانی دولت‌آبادی و همکاران (۲۰۲۵) دریافتند که ذهن‌آگاهی بین‌فردی می‌تواند اثرات منفی تعارضات زناشویی را بر صمیمیت کاهش دهد. باین‌حال، برخی پژوهش‌ها مانند مطالعه ریچتر و همکاران (۲۰۲۴) یافته‌های متفاوتی گزارش کرده‌اند که می‌تواند ناشی از تفاوت در روش‌شناسی یا سطح حساسیت به طرد در نمونه باشد.

دومین یافته اصلی این پژوهش نشان داد که تحریف‌های شناختی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی در میان متغیرهای مورد مطالعه است. این یافته با بدنه گسترده‌ای از پژوهش‌ها که نقش شناخت‌ها و تحریف‌های شناختی در روابط زناشویی را نشان داده‌اند، همسو است. طلاعی و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش اخیر خود دریافتند که تحریف‌های شناختی بین‌فردی با سرخوردگی زناشویی همبستگی مثبت دارند. همچنین خندابی و همکاران (۲۰۲۴) نشان دادند که رویکردهای شناختی-رفتاری می‌تواند مسائل اعتماد رابطه‌ای را بهبود بخشد. از منظر نظری، این یافته با مدل انتساب زناشویی بردبری و فینچام (۱۹۹۰) و مدل جهت‌گیری احساسی وایس (۱۹۸۴) قابل تبیین است. بر اساس این مدل‌ها، همسران ناراضی تمایل دارند رفتارهای همسر خود را منفی‌تر تفسیر کنند. پژوهش کیم و هوانگ (۲۰۲۴) در کره نشان داد که اثرات نامتقارنی بین بهبود و کاهش رضایت زناشویی و عملکرد

شناختی وجود دارد. مطالعه صائری و غضنفری (۲۰۲۴) در ایران نشان داد که زوج‌درمانی شناختی-رفتاری تأثیر معناداری بر افزایش صمیمیت زناشویی و رضایت زناشویی دارد. همچنین پژوهش‌های اخیر بر نقش تنظیم هیجانی به‌عنوان میانجی بین تحریف‌های شناختی و رضایت زناشویی تأکید کرده‌اند. در بافت فرهنگی ایران، تحریف‌های شناختی ممکن است اشکال خاصی داشته باشند که با ارزش‌ها و انتظارات فرهنگی مرتبط هستند (احمدی و همکاران، ۲۰۲۲).

یافته سوم این پژوهش نشان داد که نگرش به طلاق نقش میانجی جزئی در رابطه بین حساسیت بین‌فردی و تحریف‌های شناختی با رضایت زناشویی ایفا می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش آقاجانی و مقدس (۲۰۱۹) در ایران همسو است که نشان داد تقریباً نیمی از پاسخ‌دهندگان طلاق را به‌عنوان راه‌حلی برای مشکلات زناشویی تأیید کردند. همچنین پژوهش محمدعلی‌نصب و همکاران (۲۰۲۳) نشان داد که درمان پذیرش و تعهد بر سرخوردگی زناشویی و نگرش نسبت به طلاق در زنان متأهل در آستانه طلاق مؤثر است. در فرهنگ ایران، نقش نگرش به طلاق ممکن است پیچیده‌تر از فرهنگ‌های غربی باشد. باوجود افزایش نرخ طلاق در ایران، طلاق همچنان با انگ اجتماعی قابل‌توجهی همراه است (نخعی و همکاران، ۲۰۲۰). یافته‌های این پژوهش نشان داد که متغیرهای مورد مطالعه در مجموع ۴۲ درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین می‌کنند. این میزان واریانس تبیین‌شده نشان‌دهنده قدرت تبیینی قابل‌توجه مدل پیشنهادی است و بر اهمیت عوامل شناختی و بین‌فردی در تعیین رضایت زناشویی تأکید می‌کند. با این حال، ۵۸ درصد باقیمانده واریانس نشان می‌دهد که عوامل دیگری نیز در تعیین رضایت زناشویی نقش دارند. این پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بوده است که از جمله می‌توان به مقطعی بودن طراحی پژوهش، استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی و محدود بودن نمونه به زنان متأهل اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با استفاده از طراحی‌های طولی، شامل نمونه‌های زوجی و به‌کارگیری روش‌های متنوع سنجش به بررسی روابط بین متغیرها بپردازند. همچنین پیشنهاد می‌شود مداخلات درمانی با هدف کاهش حساسیت بین‌فردی و اصلاح تحریف‌های شناختی در زوج‌های ناراضی طراحی و اجرا گردد.

منابع

- احمدی، خ.، و باقری، ف. (۱۳۹۸). بررسی روایی و پایایی مقیاس نگرش‌های زناشویی در جامعه ایرانی. مجله روانشناسی خانواده، ۱۲(۴)، ۴۵-۶۰.
- پورشهریار، ه.، و دهقانی، م. (۱۳۸۹). بررسی پایایی و روایی مقیاس حساسیت بین‌فردی (IPSM) در دانشجویان ایرانی. مجله علوم رفتاری، ۱۲۳-۱۳۴، (۲)۵.
- خندابی، ب.، محمدی، ر.، و رضایی، ا. (۱۴۰۳). اثربخشی زوج‌درمانی شناختی-رفتاری بر رضایت زناشویی و تحریف‌های شناختی. مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۲۲(۱)، ۷۸-۹۳.
- دهقانی دولت‌آبادی، م.، میرزایی، ج.، و فلاحتی، و. (۱۴۰۴). نقش ذهن آگاهی بین‌فردی در رابطه بین تعارض زناشویی و صمیمیت زوجین. فصلنامه روانشناسی کاربردی، ۱۹(۷۳)، ۱۰۷-۱۲۸.
- راستی، م.، و محمدی، ع. (۱۴۰۳). تحریف‌های شناختی در روابط زناشویی: الگوها و پیامدها. مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱۰(۳۸)، ۷۴-۵۵.
- صولتی، ر.، ناظری، م.، و بیرجندی، ط. (۱۳۸۶). هنجاریابی و بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ در ایران. مجله روانشناسی، ۱۱(۴۳)، ۳۸۱-۳۹۹.

- طلایی، ع.، محمدخانی، ش.، و موسوی، س. (۱۴۰۳). رابطه تحریف‌های شناختی بین فردی با سرخوردگی زناشویی در زوجین. مجله روانشناسی بالینی، ۱۶(۶۱)، ۳۴-۴۷.
- طالبی، ه.، سعدی، ع.، و فرنام، و. (۱۴۰۰). اعتباریابی و پایایی‌یابی پرسشنامه تحریف‌های شناختی (CD-Quest) در جمعیت غیربالینی ایرانی. مجله علوم روانشناختی، ۲۰(۱۰۵)، ۱۳۱۹-۱۳۲۸.
- قاضی، ع.، رحیمی، م.، و کریمی، ی. (۱۴۰۲). پارادوکس حساسیت بین فردی: بررسی نقش دوگانه آن در رضایت و تعارض زناشویی زنان. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۴(۵۴)، ۱۷۷-۲۰۰.
- محمدعلی‌نصب، س.، رجبی، غ.، و علیپور، ا. (۱۴۰۲). اثربخشی درمان پذیرش و تعهد بر سرخوردگی زناشویی و نگرش نسبت به طلاق در زنان متأهل در آستانه طلاق. مجله مطالعات روانشناختی، ۲۰(۲)، ۱۵-۳۴.
- صائری، م.، و غضنفری، ا. (۱۴۰۳). اثربخشی زوج‌درمانی شناختی-رفتاری بر صمیمیت و رضایت زناشویی. پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۱۴(۱)، ۸۹-۱۱۰.
- یوسف، ن.، حسن‌زاده، ر.، و امینی، ک. (۱۴۰۴). حساسیت بین فردی و رضایت زناشویی: تحلیل نقش درک نشانه‌های کلامی و غیرکلامی در فرهنگ ایرانی. فصلنامه روانشناسی اجتماعی، ۱۷(۶۵)، ۴۱-۵۸.
- Aghajanian, A., & Moghaddas, M. (2019). Attitudes toward divorce in Iran: A study of social and ideological correlates. *Journal of Divorce & Remarriage*, *60*(3), 222-238.
- Aghajanian, A., & Thompson, V. D. (2013). Recent divorce trends in Iran. *Journal of Divorce & Remarriage*, 54 (2), 112-125.
- Boyce, P., & Parker, G. (1989). Development of a scale to measure interpersonal sensitivity. *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, 23(3), 341-351.
- Bradbury, T. N., & Fincham, F. D. (1990). Attributions in marriage: Review and critique. *Psychological Bulletin*, 107 (1), 3-33.
- Camilo Ríos, A., Martínez, P., & Vázquez, C. (2024). Interpersonal therapy for women with rejection sensitivity: Improving relationship satisfaction and anxiety. *Journal of Marital and Family Therapy*, 50 (1), 156-172.
- Dehghanidowlatabadi, M., Mirzaei, J., & Falahati, V. (2025). The role of interpersonal mindfulness in the relationship between marital conflict and couples' intimacy. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 32, 100-115.
- Downey, G., & Feldman, S. I. (1996). Implications of rejection sensitivity for intimate relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70(6), 1327-1343.
- Fowers, B. J., & Olson, D. H. (1993). ENRICH Marital Satisfaction Scale: A brief research and clinical tool. *Journal of Family Psychology*, 7 (2), 176-185.
- Hajjar, R. M., Khawaja, M., & Salem, M. O. (2015). Cognitive distortions and marital conflicts among Arab couples. *The Family Journal*, 23(3), 265-273.
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2020). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, method, and research. In A. L. Vangelisti & D. Perlman (Eds.), *The Cambridge handbook of personal relationships* (2nd ed., pp. 385-402). Cambridge University Press.
- Khandabi, B., Mohammadi, R., & Rezaei, A. (2024). The effectiveness of cognitive-behavioral couple therapy on marital satisfaction and cognitive distortions. *Journal of Behavioral Science Research*, 22 (1), 78-93.
- Kim, S., & Hwang, W. (2024). Asymmetric effects of marital satisfaction dynamics on cognitive functioning among middle-aged and older adults. *Aging & Mental Health*, 28(4), 589-597.
- Kinnaird, K. L., & Gerrard, M. (1986). Premarital sexual behavior and attitudes toward marriage and divorce among young women. *Journal of Marriage and the Family*, 48 (2), 413-420.

- Lavner, J. A., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2024). The role of interpersonal sensitivity in the development of marital satisfaction. *Journal of Family Psychology*, 38(1), 45-57.
- Michael, A., & Ben-Zur, H. (2024). A multidimensional model of marital satisfaction: Integrating cognitive, emotional, and behavioral factors. *Journal of Social and Personal Relationships*, 41 (2), 350-369.
- Mishra, S., & Allen, M. (2023). A meta-analysis of rejection sensitivity and romantic relationship outcomes. *Personality and Social Psychology Review*, 27 (3), 245-267.
- Mishra, S., Clark, S. E., & O'Neill, T. (2024). Personal, not partner, rejection sensitivity predicts relationship outcomes for both men and women. *Journal of Personality*, 92 (1), 123-139.
- Morgan, S., Günak, M. M., & Barnhofer, T. (2024). Emotional regulation difficulties as a mediator between relationship satisfaction and depressive symptoms. *Journal of Affective Disorders*, 350, 560-567.
- Nakhaee, N., Jahromi, M. K., & Farajkhoda, T. (2020). Consequences of divorce in Iran: A qualitative study. *Journal of Divorce & Remarriage*, 61 (6), 427-443.
- Oliveira, I. T. de. (2015). *Cognitive Distortions Questionnaire (CD-Quest): Development and validation* (Unpublished doctoral dissertation). Federal University of Rio de Janeiro, Brazil.
- Pereira, M. G., de Sousa, M., & Canavarro, M. C. (2022). Negative communication patterns and thoughts about divorce: A longitudinal study. *Journal of Marital and Family Therapy*, 48 (1), 134-149.
- Richter, T., Schoebi, D., & Randall, A. K. (2024). Rejection sensitivity and daily emotional reactivity in intimate relationships: An experience sampling study. *Emotion*, 24 (2), 310-322.
- Schoebi, D., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2012). Stability and change in the first 10 years of marriage: Does commitment confer benefits beyond the effects of satisfaction? *Journal of Personality and Social Psychology*, 102 (4), 729-742.
- Stanley, S. M., Markman, H. J., & Whitton, S. W. (2002). Communication, conflict, and commitment: Insights on the foundations of relationship success from a national survey. *Family Process*, 41 (4), 659-675.
- Stenborn, A. (2019). *Interpersonal cognitive distortions in marital relationships: A conceptual analysis*. Routledge.
- Talari, A., Mohamadkhani, S., & Mousavi, S. (2024). The relationship between interpersonal cognitive distortions and marital disillusionment in couples. *Journal of Clinical Psychology*, 16 (61), 34-47.
- van der Wal, R. C., Finkenauer, C., & Hawk, S. T. (2025). Cultural and personal values interactively predict divorce attitudes: A cross-cultural study. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 56 (2), 230-248.
- White VanBoxel, K., Dehle, C., & Larsen, R. (2024). The role of emotion regulation in changing relationship satisfaction among therapy-seeking couples. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 13 (1), 22-36.
- Williamson, H. C. (2020). Marital quality and health: A review of the literature. *Current Opinion in Psychology*, 31, 18-23.
- Williamson, H. C., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2017). Does couples' communication predict marital satisfaction, or does marital satisfaction predict communication? *Journal of Marriage and Family*, 79 (3), 680-694.
- Yusoff, N., Hassan-Zadeh, R., & Amini, K. (2025). Interpersonal sensitivity and marital satisfaction: The critical role of verbal and nonverbal cue perception in Iranian culture. *Journal of Social Psychology*, 17 (65), 41-58.